

An Analysis of Economic Policy-Making in the Relations Between the Islamic Republic of Iran and Russia

Mostafa Ajdari¹, Garineh Keshishian Siraki², Zohreh Poostinchi³

¹ PhD., Student, Department of Political Science, Public Policy, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ajdarijenerarilani62@gmail.com

² Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). g_keshishyan@azad.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. z.p.poostinchi@gmail.com

Abstract

Iran-Russia relations have historically experienced multiple fluctuations, encompassing war, conflict, confrontation, cooperation, friendship, convergence, and divergence. In recent decades, bilateral relations have shifted toward constructive cooperation and interaction to fulfill Tehran and Moscow's mutual interests and objectives. This shift is evident in strategic alliances such as their joint involvement in the Syrian war, which has significantly strengthened their political, military, and security relations. However, statistical data indicate that economic relations between Iran and Russia have not followed the trajectory of other areas of cooperation, remaining at a lower-than-expected level. Officials from both countries have repeatedly acknowledged this issue. Against this backdrop, the present study, through a diagnostic approach, seeks to identify the reasons for the divergence in Iran-Russia economic relations. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing upon the theories of convergence and divergence, the study's findings reveal that weak communication infrastructure, marginalization of the private sector, lack of an industrial economy, weaknesses in marketing strategies, sanctions, imbalanced geopolitical and geo-economic factors, bureaucratic structures, competition in the energy sector, and failure to capitalize on export opportunities are the primary factors impeding the economic convergence between the Islamic Republic of Iran and Russia. Both countries possess significant potential in these areas.

Keywords: Economic relations, Islamic Republic of Iran, Russia, foreign relations, international relations.

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و روسیه

مصطفی اژدری^۱، گارینه کشیشیان سیرکی^۲، زهره پوستین‌چی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ajdarijeneralirani62@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل). g_keshishyan@azad.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z.p.poustinchi@gmail.com

چکیده

روابط ایران و روسیه از زمان شکل‌گیری با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده و با جنگ، مخاصمه، تقابل، همکاری، دوستی، همگرایی و واگرایی ترسیم شده است. روابط طرفین در چند دهه اخیر، به همکاری و تعاملات مطلوب در جهت خواسته‌ها و تأمین منافع و اهداف تهران - مسکو تغییر کرده است. به نحوی که ایران و روسیه در رویدادهایی مانند جنگ سوریه، با هم به اتحاد استراتژیک دست زدند و روابط سیاسی، نظامی و امنیتی آنها، مستحکم و راهبردی شده است. با این حال، آمار و ارقام نشان می‌دهد که مناسبات اقتصادی میان ایران و روسیه از الگوی حوزه‌های دیگر پیروی نکرده و سطح روابط در این حوزه همچنان نازل و کمتر از حد انتظار است و مقامات دو کشور هم بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند. در این راستا، پژوهش حاضر با نگاهی آسیب‌شناسانه درصد شناسایی دلایل واگرایی در مناسبات اقتصادی ایران و روسیه است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و از نظریه همگرایی و واگرایی استفاده شده است. نتایج نشان داد، ضعف زیرساخت‌های ارتباطی، به حاشیه‌رانی بخش خصوصی، فقدان اقتصاد صنعتی، ضعف در صنعت بازاریابی، تحریم‌ها، ژئوپلیتیک و ژئواکونومی نامتوازن، ساختارهای بوروکراتیک، رقابت در بخش انرژی و عدم استفاده از فرصت‌های صادراتی، از دلایل عمده در عدم همگرایی روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و روسیه است. هر دو کشور دارای قابلیت‌های بهینه‌ای در این حوزه‌ها هستند.

کلیدواژه‌ها: روابط اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران، روسیه، روابط خارجی، روابط بین‌الملل.

استاد به این مقاله: اژدری، مصطفی؛ کشیشیان سیرکی، گارینه؛ پوستین‌چی، زهره (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و روسیه. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۴)، ص ۷-۳۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

روابط ایران و روسیه در دوره صفویه شروع شده است و از آن زمان تاکنون، حوادث متعددی به این روابط شکل داده است. اوج تنش در روابط ایران و روسیه در دوره فتحعلی شاه قاجار بود که دو کشور در سال‌های ۱۱۹۲-۱۱۸۳ خورشیدی (۱۸۱۳-۱۸۰۴ میلادی) و ۱۲۰۶-۱۲۰۵ خورشیدی (۱۸۲۸-۱۸۲۶) با هم جنگیدند و با شکست ایران در این جنگ‌ها، ایران مجبور به امضاء دو عهدنامه گلستان در ۲ آبان ۱۱۹۲ خورشیدی (۲۴ اکتبر ۱۸۱۳) و ترکمنچای ۱ اسفند ۱۲۰۶ (۲۱ فوریه ۱۸۲۸ میلادی) شد. طبق مفاد این عهدنامه، بخش‌های شمالی ایران به خاک روسیه منضم شد. در دوران حکومت پهلوی، ایران در اردوگاه غرب قرار داشت و با وجود اینکه تنش محسوسی میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی وجود نداشت؛ اما تهران همواره با سوءظن به مسکو می‌نگریست. وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، این کشور را از جرگه هم‌پیمانان غرب بیرون کرد. با این حال، ایران با سیاست «نه شرقی و نه غربی» به صراحت اعلام کرد که غرب ستیزیش به معنای روابط نزدیک با بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی نیست. پس از فروپاشی این ابرقدرت و پایان جنگ، ایران نگران پیامدهای این اتفاق مهم بود و سعی کرد تا روابط مطلوبی با جمهوری‌های سابق شوروی و روسیه داشته باشد. اما خود روسیه در دهه ۱۹۹۰ گرفتار مصائب و مشکلات داخلی و اقتصادی بود. از دهه ۲۰۰۰ و با قدرت‌گیری ولادیمیر پوتین و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در روسیه، سطح روابط ایران و روسیه تقویت یافت. گرچه در این دوران، دو کشور در بعضی از زمینه‌ها با هم اختلاف‌نظر جدی داشتند و روسیه در ارسال پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، با غرب همکاری کرد. اما با شروع بیداری اسلامی و بحران سوریه، روابط ایران و روسیه تقویت شد. به‌عنوان مثال، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱، چهار مرتبه به ایران سفر کرد. در طرف مقابل هم، حسن روحانی و محمدجواد ظریف چندبار به روسیه سفر کرده و با پوتین و دیگر مقامات این کشور دیدار و گفت‌وگو کردند. هدف اصلی از سفر مقامات ایران و روسیه، مذاکره درباره بحران سوریه، پرونده هسته‌ای ایران و همسویی برای تقویت روابط در حوزه‌های مختلف بود. در بُعد نظامی و امنیتی نیز، روابط ایران و روسیه به شکل مطلوبی ادامه داشت. اوج این همکاری، در بحران سوریه بود و به دلیل همسویی منافع ایران و روسیه، دو کشور با هم توافق کردند که از دولت سوریه در مقابل گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی حمایت کنند و دوشادوش هم، اهداف استراتژیک‌شان را در سوریه به پیش ببرند. برخلاف دو حوزه قبلی، ایران و روسیه در عرصه‌های اقتصادی، نتوانستند همکاری‌هایشان را به سطح بالایی برسانند و این مسأله، پاشنه آشیل روابط طرفین محسوب می‌شود. به نحوی که سهم صادرات ایران به روسیه در

سال ۱۳۹۹، ۵۰۳/۳ میلیون دلار و سهم صادرات روسیه به ایران ۱/۰۷۰/۳ میلیارد دلار بوده است. حجم تجارت دو کشور نیز در سال ۱۳۹۹، ۱/۵۷۳/۷ میلیارد دلار، و در ۸ ماهه سال ۱۴۰۲ به ۱/۷ میلیارد دلار رسیده است. این آمار، نشانگر آن است که ایران و روسیه در حوزه‌های اقتصادی، فاقد روابط مطلوبی هستند که بتواند منافع دو طرف را تأمین کند. این در حالی است که هر دو کشور، دارای قابلیت‌های بهینه‌ای در این حوزه‌ها هستند. با علم به این مسأله، پژوهش حاضر درصدد شناخت دلایل واگرایی در روابط اقتصادی ایران و روسیه است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و گفت‌وگو با متخصصان حوزه روسیه انجام شده است.

۲. پیشینه تحقیق

یافته‌های مقاله «تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه»، به قلم ولی‌زاده و مرادی (۱۴۰۱)، نشان می‌دهد که با توجه به ملاحظه‌ها، اهداف و منافع ایران و روسیه و تعریف آنها در چارچوبی متفاوت، مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی، مانع از شکل‌گیری الگوی تعامل پایدار و روابط راهبردی میان دو کشور بعد از فروپاشی اتحاد شوروی شده است.

اسعدی و منوری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی روابط ایران و روسیه؛ اتحاد استراتژیک یا همسویی منافع»، معتقدند که در روابط دو کشور، ویژگی‌های اتحاد استراتژیک، واکنشی به شرایط بین‌المللی در موضوعات خاص بوده و همکاری طرفین موقتی است.

نوری (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی؛ منافع منطقه‌گرایی فعال»، نشان داد که دو کشور می‌توانند با تعامل کنفدراتیو/حاکمیتی در ساختارهای منطقه‌ای این حوزه، نسبت به تأمین بهینه‌تر منافع و دفع کم‌هزینه‌تر تهدیدها اقدام کنند.

درخشان (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «فرصت‌های راهبردی در روابط اقتصادی ایران و روسیه»، عوامل زمینه‌ساز تعمیق روابط اقتصادی دو کشور را بررسی کرده است.

یافته‌های پژوهش دروین و گراژوسکی^۱ (۲۰۲۳)، با عنوان «ایران، روسیه و چالش‌های همبستگی بین اقلیت‌ها» نشان می‌دهد که دیدگاه‌های هنجاری هم‌گرایانه، زمینه همکاری ایران و روسیه را فراهم کرده است. با این حال، تا حدی به دلیل بی‌اعتمادی تاریخی و ماهیت ساختارهای تجاری روسیه و ایران، بلندپروازی‌ها و چشم‌اندازهای مشترک اقتصادی آنها در راستای اهداف منطقه‌ای، به‌طور کامل محقق نشده است.

بالستروس میگوئل^۱ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «روابط روسیه با ایران در چارچوب ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم»، نشان داد، با وجود آنکه از دهه ۲۰۰۰ و به قدرت رسیدن پوتین، روابط روسیه و ایران تقویت شده است؛ اما این روابط آن چنانکه رهبران دو کشور ادعا می‌کنند، مستحکم نشده است. دلایل این امر در سه نکته نهفته است: رویکرد عملگرایانه روسیه به سیاست خارجی، بی‌اعتمادی متقابل ناشی از روابط گذشته دو کشور و منافع ناسازگار آنها در خاورمیانه.

ترمه^۲ (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «روابط ایران و روسیه در جهان چندجانبه»، معتقد است که روابط ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف مانند سوریه، افغانستان و قفقاز جنوبی براساس منافع و همکاری و تقابل به‌طور توأمان پیش می‌رود. چن فلدمان و راکوف^۳ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «روابط ایران-روسیه: تداوم شراکت همراه با تقابل منافع»، دریافتند که ایران و روسیه درباره چند موضوع منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله کاهش نفوذ آمریکا در خاورمیانه با هم اشتراک نظر دارند؛ اما اختلافاتی هم وجود دارد که تعمیق روابط آنها را با مشکل مواجه می‌کند.

با توجه به تحقیقات مذکور، نوآوری این پژوهش در دو نکته نهفته است: اول، این پژوهش به آسیب‌شناسی و شناخت دلایل عدم گسترش روابط اقتصادی ایران و روسیه می‌پردازد؛ دوم، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه همگرایی و واگرایی اقتصادی، از چارچوب تحلیلی برای شناخت این دلایل بهره می‌گیرد.

۳. نظریه واگرایی و همگرایی اقتصادی

واگرایی، ناظر بر دوری کشورها و دولت‌ها نسبت به یکدیگر است. در رویکرد واقع‌گرایی، واگرایی به عدم ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین‌الملل گفته می‌شود؛ که موجب دوری این واحدهای سیاسی از یکدیگر می‌گردد. از طرفی، وقتی واحدهای سیاسی از یکدیگر فاصله گرفته و رغبتی به همکاری و اتفاق منطقه‌ای با هم نداشته باشند، گفته می‌شود که بازیگران این واحدهای سیاسی واگرا شده‌اند؛ یعنی زمینه‌های وحدت و پیوستگی را نادیده گرفته و از دست داده‌اند. در واگرایی، کشورها برای تأمین بهتر منافع خود و افزایش ضریب امنیتی، تمایلات فرامنطقه‌ای بیشتری از خود نشان می‌دهند (قوام، ۱۳۸۵، ص ۳۵۴). گرایش‌ها و ابزارهای متعددی در دنیای اقتصاد و امور مالی وجود دارد. برخی از آنها نیروهای متضاد مانند واگرایی و همگرایی را توصیف می‌کنند. واگرایی، به‌طور کلی به این معنی است که دو پدیده از هم دور می‌شوند؛

1. Ballesteros Miguel

2. Therme

3. Chen Feldman & Rakov

در حالی که همگرایی به این معنی است که، دو نیرو با هم حرکت می‌کنند. در دنیای اقتصاد، امور مالی و تجارت، واگرایی و همگرایی، اصطلاحاتی است که برای توصیف رابطه جهت‌دار دوروند، قیمت یا شاخص استفاده می‌شود. اما همان‌طور که از تعاریف کلی برمی‌آید، این دو اصطلاح، به نحوه حرکت این روابط اشاره دارد. واگرایی نشان می‌دهد که دو روند از یکدیگر دورتر می‌شود؛ در حالی که، همگرایی نشان می‌دهد که چگونه به یکدیگر نزدیک می‌شود (Ross, 2024, p. 1).

براساس تئوری همگرایی، وقتی کشورها از مراحل اولیه صنعتی شدن به سمت صنعتی شدن کامل حرکت می‌کنند، از نظر هنجارها و فناوری اجتماعی به سایر جوامع صنعتی شبیه می‌شوند و این ملت‌ها به‌طور مؤثری هم‌گرا هستند. در نهایت، اگر عاملی مانع این روند نشود، این روند می‌تواند به یک فرهنگ جهانی یکپارچه منجر شود. نظریه همگرایی و واگرایی، ریشه در دیدگاه کارکردگرایانه اقتصاد دارد که فرض می‌کند جوامع، دارای الزامات خاصی هستند که برای بقا و عملکرد مؤثر، باید برآورده شوند (Crossman, 2019, p. 1). نظریه همگرایی در دهه ۱۹۶۰ توسط کلارک کر، استاد اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، تئوریزه و عملی شد. برخی از نظریه‌پردازان بر این باورند که کشورهای صنعتی از برخی جهات، شبیه یکدیگر شوند. با این حال نظریه همگرایی، تحولی فراگیر نیست. به عنوان مثال در روند همگرایی، فناوری‌ها به اشتراک گذاشته می‌شوند؛ اما این احتمال وجود ندارد که جنبه‌های اساسی تر زندگی مانند مذهب و سیاست لزوماً با هم همگرا شوند؛ گرچه امکان تحقق این امر وجود دارد. وقتی فناوری به کشورهایی که هنوز در مراحل اولیه صنعتی شدن هستند، معرفی می‌شود، ممکن است پول سایر کشورها برای توسعه و استفاده از این فرصت سرازیر شود و این کشورها برای رسیدن به بازارهای بین‌المللی، دارای قابلیت و استعداد بیشتری هستند. با این حال، اگر در این کشورها سرمایه‌گذاری نشود و بازارهای بین‌المللی به آنها توجهی نکنند، این کشورها به جای همگرایی، واگرا می‌شوند. اصولاً این کشورها به دلیل عوامل سیاسی یا ساختار اجتماعی، مانند کمبود منابع آموزشی یا شغلی، قادر به همگرایی نیستند. بنابراین، نظریه همگرایی در مورد آنها اعمال نمی‌شود (Crossman, 2019, p. 1).

۴. روابط اقتصادی ایران و روسیه

بعد از انقلاب اسلامی و تا اوایل دهه ۱۳۷۰، ایران و اتحاد جماهیر شوروی، روابط اقتصادی چندانی با هم نداشتند. به تدریج و از اوایل این دهه، روابط تجاری میان طرفین شکل گرفت. در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) ارزش روابط اقتصادی ایران و روسیه به ۴۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۳۷۶ به ۴۵۰ میلیون دلار رسید و در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ از مرز ۵۰۰ میلیون دلار گذشت. حجم مبادلات دو کشور در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۰۰ میلیون دلار بود و در سال ۲۰۰۱ از مرز یک میلیارد دلار فراتر

رفت. البته بیشتر این مبادلات به واردات ایران از روسیه اختصاص داشته، به‌طوری که به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۸، واردات روسیه از ایران، ۷۰ میلیون دلار بوده است و این نشان می‌دهد که تا چه اندازه ایران تراز پرداخت منفی داشته است (موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۷، ص ۷).

جدول ۱- میزان تجارت میان ایران و روسیه در دولت سید محمد خاتمی (۱۹۹۸-۲۰۰۵)^۱

سال	صادرات روسیه به ایران	واردات روسیه از ایران	حجم تجارت	تراز تجاری
۱۹۹۸	۵۵۱	۳۷,۹	۵۸۸	۵۱۳
۱۹۹۹	۵۴۴	۸۸,۹	۶۴۲	۴۹۸
۲۰۰۰	۷۳۸	۸۰,۹	۸۱۸	۶۷۱
۲۰۰۱	۱,۰۹ میلیارد	۵۶,۴	۱,۱۴۶	۱,۰۳۳
۲۰۰۲	۱,۰۷ میلیارد	۷۱,۲	۱,۱۴۱	۹۹۸,۸
۲۰۰۳	۱,۶۶ میلیارد	۹۷,۷	۱,۷۵۷	۱,۵۶۲
۲۰۰۴	۱,۹۷ میلیارد	۱۵۳	۲,۱۲۳	۱,۸۱۷
۲۰۰۵	۲,۱۱ میلیارد	۱۸۵	۲,۲۹۵	۱,۹۱۵

در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۵ که دوران ریاست‌جمهوری خاتمی بود، روابط اقتصادی ایران و روسیه هر سال سیر صعودی به خود گرفت و بر میزان حجم تجارت دو کشور افزوده شد. با این حال، عمده حجم تجارت، مربوط به صادرات روسیه به ایران بوده و در همه این سال‌ها، تراز تجاری ایران منفی بوده است. به نحوی که تراز تجاری ایران در مقابل روسیه از ۵۱۳ میلیون دلار منفی در سال ۱۹۹۸ به ۱ میلیارد و ۹۱۵ میلیون دلار منفی می‌رسد.

جدول ۲- میزان تجارت میان ایران و روسیه در دولت محمود احمدی‌نژاد (۲۰۰۶-۲۰۱۳)^۲

سال	صادرات روسیه به ایران میلیارد دلار	واردات روسیه از ایران میلیون دلار	حجم تجارت میلیارد دلار	تراز تجاری میلیارد دلار
۲۰۰۶	۱,۵۶	۲۹۱	۱,۸۵۱	۱,۲۶۹
۲۰۰۷	۲,۹۱	۳۳۸	۳,۲۴۸	۲,۵۷۲
۲۰۰۸	۳,۱۳	۳۸۲	۳,۵۱۲	۲,۷۴۸
۲۰۰۹	۲,۷۶	۲۰۳	۲,۹۶۳	۲,۵۵۷
۲۰۱۰	۲,۸۸	۳۱۸	۳,۱۹۸	۲,۵۶۲
۲۰۱۱	۳,۳۷۰	۲۸۶	۳,۷۵۶	۲,۹۸۴
۲۰۱۲	۱,۹۰	۴۰۵	۲,۳۱۹	۱,۴۸۱
۲۰۱۳	۱,۲۶	۴۱۹	۱,۶۷۹	۸۱۴ میلیون دلار

1. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

2. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ که مصادف با دولت احمدی‌نژاد بود، حجم تجارت ایران و روسیه هر سال روندی صعودی داشت؛ تا اینکه در سال ۲۰۱۲ این روند متوقف و میزان روابط ایران و روسیه به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد. به نحوی که میزان تجارت ایران و روسیه در سال ۲۰۱۱، ۳ میلیارد و ۳۱۹ میلیون دلار است؛ اما میزان این روابط در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، به ترتیب به ۲/۳۱۹ و ۱/۶۷۹ میلیارد دلار کاهش می‌یابد. دلیل این امر، تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران و پیچیده شدن مسأله هسته‌ای است. همچنین در همه سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، تراز تجاری منفی علیه ایران تا سال ۲۰۱۲، هر سال بیشتر شده است.

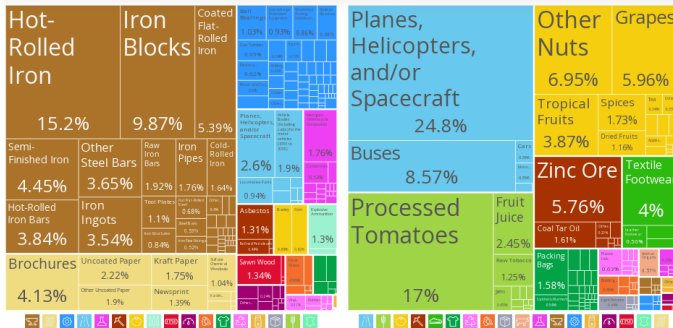
جدول ۳- میزان تجارت میان ایران و روسیه در دولت حسن روحانی (۲۰۲۱-۲۱۴)^۱

سال	صادرات روسیه به ایران	واردات روسیه از ایران	حجم تجارت	تراز تجاری
۲۰۱۴	۱,۳۷	۳۶۲	۱,۷۳۲	۱,۰۰۸
۲۰۱۵	۱,۰۴	۲۵۰	۱,۲۹۰	۷۹۰
۲۰۱۶	۲,۷۳۲	۳۱۸	۳,۰۵۰	۲,۴۱۴
۲۰۱۷	۱,۴۲۰	۴۱۲	۱,۸۳۲	۱,۰۰۸
۲۰۱۸	۱,۶۵	۴۷۴	۲,۲۱۴	۱,۱۷۶
۲۰۱۹	۱,۶۲	۵۸۱	۲,۲۰۱	۱,۰۳۹
۲۰۲۰	۹۲۸	۵۰۱	۱,۴۲۹	۴۲۷
۲۰۲۱	۱,۴۷	۵۷۹	۲,۰۴۹	۸۹۱

در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۴ که حسن روحانی بر مسند ریاست جمهوری ایران تکیه زده بود، میزان تجارت ایران با روسیه تنها در سال ۲۰۱۶ یعنی یک سال بعد از توافق هسته‌ای، از رقم ۲ میلیارد دلار بیشتر می‌شود. به تدریج این روند، سیر نزولی به خود می‌گیرد و در سال ۲۰۲۰ به رقم بسیار پایین ۴۲۷ میلیون دلار می‌رسد. دلیل اصلی کاهش حجم روابط اقتصادی ایران و روسیه، خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران است. مجموعه آمارهای اقتصادی، مؤید آن است که ایران و روسیه در حوزه مبادلات بازرگانی و تجاری، روابطی ضعیف و فاقد ارزش راهبردی با یکدیگر دارند. برای مثال، ایران و روسیه هیچ‌کدام در فهرست مهم‌ترین شرکای تجاری یکدیگر قرار ندارند. اولویت نداشتن روابط اقتصادی در مجموعه تعاملات تهران و مسکو، سبب شده است که همکاری‌های دو کشور در سال‌های اخیر، حتی نسبت به سال‌های دورتر کاهش پیدا کند. برای مثال، در حالی که سهم ایران از تجارت خارجی روسیه در سال ۲۰۱۴ حدود ۵ درصد بود، در سال ۲۰۱۹

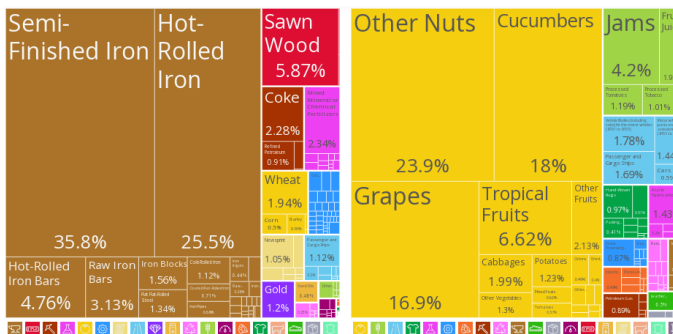
1. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

تنها معادل ۳ درصد برآورد گردید (Rodkiewicz, 2020, p.1).



نمودار ۱- نوع محصولات صادراتی و وارداتی میان ایران و روسیه سال ۲۰۲۰

در نمودار سمت چپ، که گویای نوع صادرات روسیه به ایران در سال ۲۰۲۰ است؛ آهن‌آلات، سهم اصلی صادرات روسیه به ایران را تشکیل می‌دهد. طبق این نمودار، آهن نورد ۱۵/۲، بلوک‌های آهنی ۹/۸۷ و آهن نورد تخت روکش ۵/۳۹ (جمعاً ۴۶/۳۰ درصد) از واردات ایران از روسیه در سال ۲۰۲۰ را تشکیل داده است. در نمودار سمت راست، که بیانگر صادرات ایران به روسیه در سال ۲۰۲۰ است، هلیکوپترهای کوچک ۲۴/۸، گوجه‌فرنگی گلخانه‌ای ۱۷، اتوبوس ۸/۷ و آجیل ۶/۹۵ درصد از واردات روسیه از ایران را به خود اختصاص داده‌اند.



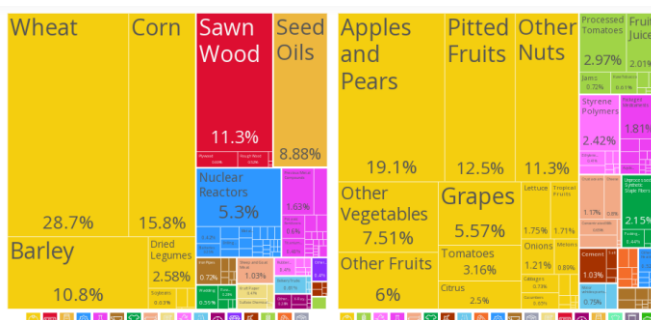
نمودار ۲- نوع محصولات صادراتی و وارداتی میان ایران و روسیه سال ۲۰۲۰

نمودار سمت راست گویای آن است که در سال ۲۰۱۰ و بعد از ده سال، همچنان آهن‌آلات، سهم عمده بازار صادراتی روسیه به ایران را تشکیل می‌دهد. طبق این نمودار در سال ۲۰۱۰، آهن

1. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

2. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

نیمه‌تمام ۳۵/۸، آهن نورد ۲۵/۵، چوب قو ۵/۸ و میله‌های آهنی نورد گرم ۴/۷۶ درصد از صادرات روسیه به ایران را تشکیل داده‌اند. بنابراین، الگوی صادرات روسیه به ایران پس از ده سال همچنان ثابت بوده است. در سمت مقابل و در سال ۲۰۱۰، آجیل ۲۳/۹، خیار ۱۸، انگور ۱۶/۹ و میوه‌های گرمسیری ۶/۶۲ درصد از صادرات ایران به روسیه را تشکیل داده‌اند و الگوی صادرات ایران به جز در بخش اتوبوس، ثابت بوده است.



نمودار ۳- نوع محصولات صادراتی و وارداتی میان ایران و روسیه سال ۲۰۲۰

طبق نمودار شماره (۳)، در سال ۲۰۲۰، گندم ۲۸/۷، ذرت ۱۵/۸، جو ۱۰/۸، چوب ۱۱/۳ و دانه‌های روغنی ۸/۸۸ درصد از صادرات روسیه به ایران را تشکیل داده‌اند. در سمت مقابل در سال ۲۰۲۰، سیب و گلابی ۱۹/۱، میوه‌های بدون هسته ۱۲/۵، آجیل ۱۱/۳، سبزیجات ۷/۵۱، انگور ۵/۵۷ و دیگر میوه‌ها ۶ درصد از سهم بازار صادرات ایران به روسیه را به خود اختصاص داده‌اند. آمارهای این نمودار حاکی از آن است که در سال ۲۰۲۰، نوع محصولات صادراتی روسیه به ایران نسبت به ده و بیست سال پیش، به کلی دگرگون شده و از آهن‌آلات به غلات تغییر یافته است. در این میان، تنها سهم صادرات چوب نسبت به سال ۲۰۱۰ تغییری نکرده است. اما صادرات ایران به روسیه به سیاق ده و بیست سال پیش بدون تغییر مانده است و میوه‌ها و آجیل، همچنان سهم عمده این بازار را تشکیل می‌دهند.

۵. دلایل واگرایی در روابط ایران و روسیه

۵-۱. رابطه براساس اضطرار

در شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، دلایل زیادی ایران و روسیه را به همکاری بیشتر ناگزیر کرده است. یکی از ویژگی‌های مهم در روابط ایران و روسیه این است که این روابط بیشتر از سر اضطرار

بوده است تا انتخاب. به دلیل اینکه دو طرف، گزینه دیگری نداشته و به دنبال رابطه با یکدیگر بوده‌اند. این مسئله، امر مثبتی در روابط ایران و روسیه نیست. به محض تغییر شرایط، نوع روابط نیز تغییر کرده و سطح همکاری‌ها متناسب با شرایط، کم یا زیاد شده است. برای مثال، روس‌ها از همان ابتدا در صلح تاجیکستان، به اجبار حضور ایران در مذاکرات را پذیرفتند و نتیجه کار برای هر دو طرف مثبت بود. در بحث افغانستان نیز چنین وضعیتی پیش آمد و ایران و روسیه پذیرفتند که باید با هم همکاری داشته باشند؛ تا بتوانند در تحولات افغانستان تأثیرگذار باشند (شوری، ۱۴۰۱، ص ۳۴). به همین منوال، مهم‌ترین موضوعی که ایران و روسیه را، به‌ویژه در دهه اول پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به هم پیوند زد، همکاری‌های هسته‌ای و حضور روسیه برای ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر بود؛ که مهم‌ترین عامل یا متغیر تعیین‌کننده در روابط دو کشور به‌شمار می‌آمد. ناگفته نماند که ایران هم، به این دلیل به سراغ روس‌ها رفت که کشور دیگری حاضر نشد در ساخت نیروگاه به تهران کمک کند. روسیه نیز به علت شرایط اضطراری پس از فروپاشی و به دلیل اینکه فاقد بودجه لازم برای پرداخت دستمزد کارکنانش در بخش صنایع هسته‌ای و اتمی بود، مجبور شد توافق با ایران را امضاء کند. این نوع رابطه بر مبنای اضطرار، به‌طور دائم شکل گرفته و در زمینه‌های مختلف، اتفاق افتاده است (شوری، ۱۴۰۱).

۵-۲. رقابت در عرصه انرژی

نخستین زمینه واگرایی در عرصه انرژی بین ایران و روسیه، پس از پایان جنگ سرد پیرامون تعیین مسیر خطوط لوله‌های انتقال نفت و گاز از حوزه خزر و آسیای میانه شکل گرفت. در شرایطی که آمریکا از منظر راهبردی، تلاش می‌کرد خطوط لوله جدید انتقال نفت و گاز از حوزه خزر به خارج از این منطقه، از هیچ‌یک از کشورهای روسیه و ایران عبور داده نشود. منافع روسیه نیز در حذف ایران، با سیاست‌های آمریکا همسو بود. موضوع انتقال گاز ایران به اروپا نیز یکی از مهم‌های رقابت و واگرایی دیپلماسی انرژی، به‌شمار می‌رود. روسیه توانسته است با اتکاء بر توانمندی‌های اقتصادی و زیرساخت‌های انرژی خود، بخش اعظم نیاز اروپا به گاز را تأمین نماید و با استفاده از بزنگاه حساس سیاسی و اقتصادی و نیازمندی کشورهای مصرف‌کننده، قیمت گاز را طی چند مرحله افزایش دهد و تثبیت نماید. دیپلماسی انرژی روسیه این موضوع را، هم از منظر راهبردی و هم از منظر منافع اقتصادی دنبال می‌کند.

اما ایران در راستای منافع ملی و دیپلماسی انرژی خود، تلاش دارد به بازارهای اروپا دست یابد و از توان بالقوه خود برای رقابت با روسیه بهره‌برداری نماید. خط لوله ناپاکو، که قرار است ۳۳۰۰ کیلومتر طول داشته باشد و توجیه اقتصادی عبور آن از ایران نیز کاملاً آشکار است، امکان انتقال سالانه ۳۱ میلیارد متر مکعب گاز از آذربایجان و ایران به اروپای مرکزی را فراهم می‌کند. تحقق این

پروژه، چالش مهمی در برابر دیپلماسی انرژی روسیه در رابطه با اروپا ایجاد خواهد کرد و تسلط این کشور را در بازار ترکیه و منطقه بالکان و شرق اروپا تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این‌رو، روسیه تلاش دارد تا با راهکارهای مختلف، از جمله از طریق عقد قراردادهای دوجانبه با کشورهای مسیر مانند مجارستان و توسعه خط لوله «جریان آبی»^۱، از پیشرفت و تحقق خط لوله ناباکو جلوگیری نماید و خطوط لوله بدیل را در برابر آن مطرح سازد. در این زمینه، ایران علاوه بر تلاش برای ایفای نقش در خط لوله ناباکو، طرح‌های دیگری مانند «خط لوله پارسی»^۲ را مطرح کرده و حتی اقداماتی نیز در این رابطه به عمل آورده است. مسیرهایی که برای صادرات گاز طبیعی ایران در نظر گرفته شده و تحقق آنها بخش مهمی از دیپلماسی این کشور را تشکیل می‌دهد، در سه جهت مختلف طراحی شده است: مسیر اول به سمت اروپا است که از ترکیه عبور می‌کند و از طریق یونان به کشورهای ایتالیا، سوئیس، اتریش و آلمان منتقل می‌شود. مسیر دوم به سوی آسیا است و گاز میدان پارس جنوبی را به پاکستان و احتمالاً هندوستان و چین منتقل خواهد کرد. مسیر سوم، متوجه کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عمان، امارات متحده عربی، بحرین، کویت و همچنین عراق و سوریه است (اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴-۲۱۵).

ایران و روسیه از دیرباز به دلیل دارا بودن منابع گازی و نفتی سرشار، در دوگانه رقابت و همکاری قرار داشته‌اند. ایجاد سازمان اوپک در سال ۱۹۶۰، که با هدف کنترل تولید نفت و تعادل قیمت میان بازیگران مهم این عرصه تأسیس شد، تا حدی این رقابت را در چارچوب ضوابط، محدود ساخت؛ اما به آن پایان نداد و دو کشور از هر فرصتی برای افزایش فروش حتی به قیمت پایین‌تر عقب‌نشینی نکردند. با تحریم نفت ایران، روسیه صادرات نفت را افزایش داد تا با خلأ نفت ایران بتواند بازار را تصاحب کند. چین نیز از این فرصت، حتی بعد از تحریم روسیه، کمال استفاده را برد و با واردات ماهانه بیش از یک میلیون و صدهزار بشکه نفت از روسیه، به قول واندانا هاری، بنیانگذار شرکت سنگاپوری واندانا اینسایت، توانست برنده بازی رقابت ایران و روسیه در فروش نفت با قیمت پایین باشد. ایران برای حفظ موقعیت خود در بازار نفت، وادار شده تا نفت خود را با ۲ برابر تخفیف بیشتر روانه بازار چین کند؛ زیرا با وجود کیفیت بالاتر نفت روسیه نسبت به ایران، کاهش قیمت از سوی کرملین باعث می‌شود فروش ایران کاهش یابد و تهران، مهم‌ترین بازار انرژی خود یعنی پکن را از دست بدهد. بلومبرگ گزارش داده که هر بشکه از نفت ایران، نزدیک ۱۰ دلار پایین‌تر از بهای نفت تحویلی برنت در اوت ۲۰۲۲ قیمت‌گذاری شده است؛ درحالی‌که قبل از عملیات نظامی روسیه در

1. Blue Stream

2. Persian Pipeline

فوریه، ایران تنها ۴ تا ۵ درصد تخفیف را برای فروش هر بشکه نفت در نظر می‌گرفت (هاشمی موحد، ۱۴۰۱، ص ۱۳-۱۲).

اختلاف درخصوص رژیم حقوقی و مالکیت بر منابع بستر دریای خزر، از دیگر زمینه‌های واگرایی در حوزه انرژی میان ایران و روسیه است و در نتیجه مقاومت روسیه در برابر شکل حقوقی مستقر در دریای خزر، امکان توافق و همکاری کشورهای این منطقه در زمینه‌های نفتی نیز به حداقل رسیده است. خواسته ایران آن است که منابع دریای خزر، براساس و به موازات خطوط ساحلی هریک از کشورهای حاشیه این دریا تقسیم شود. بر این مبنا، سهم ایران تا ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. اما روسیه و آذربایجان و قزاقستان، مانع این خواسته هستند و طرحی را مطرح کرده‌اند که سهم ایران را از منابع بستر دریای خزر حداکثر به ۱۳ درصد خواهد رساند. مذاکرات مذکور، تاکنون به توافق جمعی منجر نشده است. با این حال روسیه و ایران بر سر یک موضع، اشتراك نظر دارند و آن مخالفت با احداث هرگونه خط لوله انتقال نفت و گاز از زیر دریای خزر است. اگرچه، نگرانی از مخاطرات محیط‌زیستی از سوی دو کشور در این خصوص مطرح می‌شود؛ اما تلاش همسو برای جلوگیری از انتقال نفت از حوزه‌های تنگیز و کاشاگان و اتصال خطوط لوله جدید به خط لوله باکو- جيهان بهتر می‌تواند سیاست این دو کشور را توضیح دهد. سوآپ انرژی و به‌ویژه نفت و گاز و برق از طریق ایران، می‌تواند یکی از زمینه‌های رقابت و واگرایی در دیپلماسی انرژی ایران و روسیه محسوب شود (اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۷-۲۱۶).

۳-۵. ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل

راه‌های ارتباطی و حمل و نقل، عامل مهمی در توسعه و گسترش روابط اقتصادی میان کشورها هستند؛ زیرا این مسیرها، امکان حمل و نقل سریع‌تر و بهینه کالا و خدمات را فراهم می‌کنند و به دولت‌ها این فرصت را می‌دهند که همکاری‌های بیشتری با هم داشته باشند. به همین دلیل در یک دهه اخیر، تلاش کشورها در نقاط مختلف دنیا برای احداث و توسعه کریدورهای بین‌المللی مانند «طرح کمربند و جاده»، «شمال-جنوب» و مسیر هند به اروپا تشدید شده است. با این حال، لازمه ساخت کریدورهای بین‌المللی و گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری میان کشورها، بهبود و تحکیم زیرساخت‌های ارتباطی در داخل است. ایران به‌عنوان کشوری که از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک مهم و حیاتی در اتصال دنیای شرق به غرب برخوردار است، همیشه مورد توجه کشورهای بزرگ و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل بوده است. موقعیت مناسب ریلی و جاده‌ای و دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای مکران «عمان» و سواحل دریای مازندران «خزر» در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه تولیدکنندگان بزرگ اقتصادی جهان بوده است. اگر

بعضی مسیرهای ناتمام ریلی و جاده‌ای ایران تکمیل شود، ایران می‌تواند از عبور و ترانزیت کالا از خطوط ریلی و جاده‌ای خود درآمد سرشاری داشته باشد. با وجود این موقعیت مهم، زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل کالا در ایران بسیار ضعیف است و از مشکلات جدی رنج می‌برد. در حال حاضر بیشترین مشکلات ایران مربوط به حمل و نقل زمینی و ریلی بوده و حمل و نقل ریلی کشور، متناسب با نیازهای کشور توسعه نیافته است. از سوی دیگر، وسایل حمل و نقل جاده‌ای از قبیل کامیون‌ها دچار فرسودگی شده‌اند و بنادر و اسکله‌ها نیز رشد شایانی نداشته‌اند. در حال حاضر دو خط آهن سرخس-تجن و خط آهن گرگان-اینچه‌برون، توان ارسال کالا به مقصد روسیه از طریق ترکمنستان و قزاقستان را دارد. احداث راه‌آهن رشت-آستارا (ایران)-آستارا (جمهوری آذربایجان)، مهم‌ترین پروژه حمل و نقل ریلی میان ایران و روسیه است که می‌تواند مناسبات این دو کشور را به‌طور چشم‌گیری افزایش دهد و تکمیل‌کننده کریدور شمال به جنوب است.

ایران از زیرساخت‌های ضعیف به‌ویژه در بنادر، کشتیرانی و شبکه‌های ریلی رنج می‌برد. سایر موانع مربوط به قوانین گمرکی، زیرساخت‌ها، یا کمبود کشتی و کامیون مانع تجارت دوجانبه می‌شود. این کاستی‌ها بر کارایی و اثربخشی تعاملات اقتصادی تأثیر می‌گذارد (بخشی، ۱۴۰۲، ص ۱). بنابراین، ایران و روسیه به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بخواهند حجم روابط را به چند میلیارد دلار افزایش دهند، بستر و ظرفیت کافی و لازم را برای این کار ندارند. تمرکز ایران در سرمایه‌گذاری زیرساختی طی ده سال گذشته، بیشتر در جنوب و غرب کشور بوده و کمتر به شمال و شرق ایران توجه کرده است. برای مثال، بنادر شمال ایران توسعه نیافته است. در بخش ریلی، جاده‌ای و فرودگاهی هم، شرایط به این نحو است و اگر ایران بخواهد حجم تجارت با روسیه را افزایش دهد؛ راه مناسب برای حمل و نقل کالا با روسیه ندارد (آرامی، ۱۴۰۱). تأکید پوتین بر حل موضوع دالان شمال-جنوب در چهار دیدار با رهبر انقلاب، به اهمیت این موضوع دلالت دارد. در سال‌های ۹۴، ۹۶، ۹۷ و ۱۴۰۱ اولویت راهبردی پوتین، بحث دالان بود؛ زیرا این مسیر مواصلاتی، اهمیت راهبردی دارد. روسیه، بزرگ‌ترین صادرکننده غلات است و این غلات به‌جای اینکه به کشورهای فقیر در آفریقا و آسیا برود، می‌تواند به ایران وارد شده و به آرد تبدیل شود و با ارزش افزوده، از مسیر ایران صادر شود. این مسئله، باعث می‌شود اقتصاد روسیه به ایران پیوند یابد. بنابراین، می‌توان وجوه مشترک را افزایش داد و موضوعات رقابت‌زا را به مرور زمان حل کرد (آرامی، ۱۴۰۱).

۴-۵. فربه بودن بخش دولتی و به حاشیه‌رانی بخش خصوصی

در حالی که یکی از بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی در صحنه اقتصاد بین‌الملل، شرکت‌ها و بنگاه‌های غیردولتی هستند و خودمختاری اقتصادی دیگر بازیگران در کنار دولت‌ها از ویژگی‌های

مهم دیپلماسی اقتصادی محسوب می‌گردد؛ بازیگر غالب در عرصه دیپلماسی اقتصادی ایران از دوران سازندگی تاکنون، با توجه به ماهیت اقتصاد ایران، همچنان بخش دولتی است. اقتصاد قدرتمند دولت‌محور و بخش خصوصی ضعیفی که دولت را بزرگ‌ترین رقیب خود در فعالیت‌های اقتصادی می‌بیند و از طرفی، کم‌ترین سهم را در اقتصاد داخلی دارد؛ از توان رقابتی اندکی در صحنه بین‌المللی نیز برخوردار است. اولین و مهم‌ترین پیامد کارگزاری و کنترل دولت در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، خروج نظم اقتصادی از وضعیت رقابتی به وضعیت غیررقابتی و غیربازاری است. این وضعیت باعث می‌شود که اقتصاد غیررقابتی ایران، به دلیل ناسازگاری و ناهمگنی با منطق اقتصاد جهانی، فرصت و امکان مشارکت مؤثر در آن را به دست نیاورد (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۵، ص ۳۳۵). این مشکل در روابط تجاری ایران با اغلب شرکاء اقتصادی، از جمله روسیه کاملاً مشهود است. به نحوی که به گفته کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه، نوسانات قیمت در بازار ایران موجب بی‌تعهدی بخش خصوصی در مبادلات شده است و سهم ایران از بازار واردات (سالانه ۲۷۰ میلیارد دلار)، بسیار ناچیز است (جلالی، ۱۳۹۹). در تلاش برای بهبود روابط اقتصادی با مسکو، تمرکز تهران در درجه اول بر بازدید مقامات دولتی بوده است و عدم توجه کافی به بخش خصوصی، باعث غفلت از پتانسیل قابل توجه در این زمینه شده است. این رویکرد صرفاً دولتی، بازدهی کمی را به همراه داشته و نتایج ملموسی را به همراه نداشته است (بخشی، ۱۴۰۲، ص ۱).

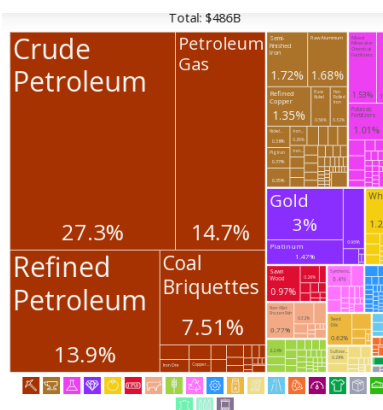
بخش خصوصی، هماهنگ با خواست‌های رقابت‌جویانه دولت، می‌تواند آستانه ورود ایران به همکاری‌های اقتصادی با روسیه را هموارتر سازد. این بخش خصوصی، البته باید امکان‌سنجی کالاها و عرصه‌های ورود خویش را، براساس درک درست از منطق تعارض حاکم بر تحولات ژئواکونومیک اوراسیا تنظیم کند. در غیر این صورت، هم بخش خصوصی و هم جهت‌گیری‌های ژئواکونومیک ایران، دچار شکست خواهند شد. شناخت دقیق از میزان پذیرش شرکت‌های خصوصی ایرانی در منطقه اوراسیا و روسیه، سبب می‌شود تا میزان حمایت‌های دولت از بخش خصوصی نیز تعریف شود. به عبارت دیگر، به همان سطح که شرکت‌های رقیب بخش خصوصی ایران از یارانه دولت‌های متبوع خود بهره می‌برند، شرکت‌های ایرانی هم باید مورد حمایت‌های دولت خویش باشند (میرفخرایی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳).

۵-۵. فقدان اقتصاد صنعتی و تکیه ایران و روسیه بر صادرات مواد خام

بدون شک، صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم تأمین ارزی برای کشور و درآمد ملی است. به طور خلاصه، عوامل ضرورت و اهمیت صادرات بدون نفت عبارت است از: رهایی از صادرات تک‌محصولی نفت مستقل از بازی‌های سیاسی و اقتصادی، پرداختن به خدمات عمومی بخش

دولتی، تعاونی و خصوصی در امور همه‌جانبه از طریق منابع ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی و در نتیجه، تأمین نیازهای کشور به واردات مورد نیاز، ایجاد زمینه‌های جدید و افزایش سطح اشتغال در زمینه‌های مختلف، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستائیان مرزی و کشاورزان و صنعتگران به شهرها به علت جذب تولید آنها و رفع نیازهای اقتصادی و ارائه خدمات مربوط و بهبود کیفیت تولیدات (حسینی میرزا، ۱۳۸۶).

صادرات غیرنفتی و رهایی از اقتصاد تک‌محصولی، مستلزم صنعتی‌شدن، سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از تکنولوژی پیشرفته است. با این حال، هم ایران و هم روسیه توانسته‌اند به این امر مهم نائل شوند. بخش اعظم اقتصاد و صادرات روسیه، متکی به انرژی و تا حدی محصولات کشاورزی است. به نحوی که روسیه در دو دهه اخیر، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی کشورهای اروپایی و بازار اصلی صادرات محصولات کشاورزی به اقصی نقاط جهان بوده است. نگاهی به فهرست صادرات روسیه در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که انرژی و فرآورده‌های آن بخش، عمده صادرات روسیه را به خود اختصاص داده است. آمارهای نمودار شماره (۴) گویای آن است که کل صادرات روسیه در سال ۲۰۲۲، ۴۸۶ میلیارد دلار بوده است. از این میزان، ۳/۲۷ درصد سهم نفت خام، ۷/۱۴ درصد سهم گاز، ۹/۱۳ درصد سهم فرآورده‌های نفتی و ۵۱/۷ سهم زغال سنگ بوده است. یعنی حدود ۶۴ درصد محصولات صادراتی روسیه، متعلق به بخش انرژی بوده است. فلزاتی مانند طلا و آهن‌آلات و محصولات کشاورزی مانند ذرت، گندم و دانه‌های روغنی، در رده‌های بعدی صادرات روسیه قرار دارند و نشانی از محصولات صنعتی و تکنولوژی دیده نمی‌شود.



نمودار ۴- نوع صادرات روسیه در سال ۲۰۲۲^۱

1. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

اقتصاد ایران نیز مانند روسیه، فاقد شاخصه‌های اقتصاد صنعتی است و متکی به صدور نفت خام و فرآورده‌های نفتی مانند پالیمیر است. همچنین، صادرات روسیه به ایران عمدتاً شامل محصولات کشاورزی مانند سیب، گلابی، انگور، سبزیجات، میوه‌های خشک و آجیل است. بنابراین هر دو کشور، دارای اقتصادی متکی به محصولات خام هستند. این در حالی است که محصولات وارداتی ایران و روسیه، محصولات صنعتی است. این مسئله، تأثیر نامطلوبی بر همکاری اقتصادی روسیه و ایران داشته و دو کشور به دلیل فقدان اقتصاد صنعتی و تکنولوژی پیشرفته، نمی‌توانند نیازهای وارداتی یکدیگر را پوشش دهند.

۵-۶. عدم استفاده از فرصت‌های صادراتی

در برخی بازه‌های زمانی، فرصت‌هایی طلایی برای افزایش روابط اقتصادی میان ایران و روسیه نمود پیدا کرده و ایران تا کنون، به نحو شایانی نتوانسته است از آنها بهره‌برداری کند. به عنوان مثال، به دنبال تحریم‌های روسیه توسط غرب در ماجرای الحاق کریمه و همچنین سرنگونی جنگنده روسیه توسط آنکارا، روابط روسیه با اتحادیه اروپا و ترکیه دچار تنش‌های شدید شد و آنها بازارهای روسیه را از دست دادند. در آن برهه با توجه به ژئوپولیتیک کشور و همچنین تنوع تولیدات داخلی، مخصوصاً در حوزه کشاورزی، مسکو از ایران طلب کمک کرد؛ ولی ایران نتوانست در این زمینه فعالانه ظاهر شود. لذا، سایر بازیگران خارجی، گوی سبقت را از ایران ربودند.

۵-۷. نبود سیاست‌های صادراتی مطابق با نیازهای اقتصادی روسیه

با توجه به اینکه در ایران، همواره بازار داخلی هدف اصلی تولید داخلی بوده؛ بنابراین، تولیدکنندگان داخلی هیچ‌گاه مقدار تولید و کیفیت کالاها را براساس بازارهای صادراتی طراحی نکرده‌اند. با وجود اینکه ایران سابقه موفقی در تجارت با کشورهایی مانند عراق و افغانستان دارد، روسیه دارای بازار اقتصادی بالغ است و نمی‌توان با مدل این کشورها در روسیه فعالیت کرد. بازارهای عراق و افغانستان، بازارهایی با ساختارهای ساده و قدیمی هستند؛ اما بازار روسیه دارای ساختاری توسعه‌یافته و پیچیده است. به همین دلیل، تجارت با روسیه به حمایت سازمان‌یافته دولتی نیاز دارد و شرکت‌های دولتی و خصوصی کشور، باید در ورود به بازار روسیه پیشقدم باشند تا مسیر حضور دیگر بازرگانان را به این بازار هموار کنند (جعفری، ۱۳۹۹، ص ۱۰). در این ارتباط، با داشتن استراتژی صادراتی برای بازار روسیه و ترسیم نقشه راه و برنامه‌ریزی مناسب و با پشتیبانی دولت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از منابع صندوق توسعه ملی و صدور بیمه‌نامه و ضمانت‌نامه از مؤسسات بیمه‌ای یا بانکی، می‌توان به افزایش سهم صادراتی در این بازار کمک کرد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جدید در بستر یک برنامه‌ریزی صادراتی توسط بنگاه‌های حرفه‌ای، می‌توان کالاهایی

مانند انواع سنگ‌های تزئینی، محصولات معدنی، شیمیایی، پتروشیمی و انواع پلیمرها و داروها، به‌ویژه داروهای نو ترکیب را به فهرست محصولات صادراتی افزود (جعفری، ۱۳۹۹، ص ۱۱).

۵-۸. ضعف در صنعت بازاریابی

از چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌روی گسترش مبادلات تجاری ایران و روسیه، ضعف هر دو طرف در کسب شناخت از ظرفیت‌ها، نیازمندی‌ها، ذائقه و استانداردهای طرف مقابل در حوزه کالا و خدمات است که در دسترس نبودن اطلاعات جامع کاربردی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان هر دو کشور، مانعی جدی برای افزایش مراودات اقتصادی است. ضعف نهادهای مسئول در شناسایی این ظرفیت‌ها نیز، بر این بی‌اطلاعی افزوده است. حال آنکه بانک اطلاعاتی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی مانند تولید، صادرات، تجارت و صنایع معدنی دارای اطلاعات کافی باشد و آن را در اختیار بازرگانان طرف مقابل قرار دهد، در دو کشور وجود ندارد. البته، بازرگانان ایران از ظرفیت‌های طرف روسی هم اطلاعات کافی ندارند و به همین دلیل، در تجارت با روسیه، دستیابی به اهداف تعیین‌شده دشوار بوده است. با اینکه برای ایجاد بانک اطلاعاتی ایران و روسیه، پایگاهی ایجاد شده است که اطلاعات بازار ایران و روسیه را به هر دو طرف ارائه می‌دهد؛ اما این پایگاه اطلاعات روزآمدی ندارد و فاقد مطالب کلیدی در زمینه شرکت‌های فعال در حوزه تجارت ایران و روسیه، هرگونه اطلاعات در زمینه ظرفیت‌های بازار ایران و روسیه، شاخص‌های کلیدی برای صادرات ایران به روسیه، اطلاعات آماری مؤثر در زمینه جوامع هدف برای کالاهای ایرانی و روسی، تبیین استراتژی صادراتی ایران به روسیه و برعکس، بسیاری از اطلاعات کاربردی دیگر در زمینه بازار روسیه است (جعفری، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

۵-۹. تحریم‌های غرب علیه ایران

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها نقش قابل توجهی ایفا کند، همکاری‌های اقتصادی و استراتژیک است. در تاریخ مناسبات ایران و روسیه، که پیشینه آن به صدها سال پیش بازمی‌گردد، همواره تعاملات اقتصادی، یکی از اجزای مهم این روابط بوده که گاهی از سطح توسعه مناسبات سیاسی پیش افتاده و گاهی بسیار عقب مانده است. به عبارت دیگر، تعاملات اقتصادی و تکنولوژیکی در شرایط جدید، یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش همکاری میان کشورها تلقی می‌شود. اگرچه کشور روسیه همسایه مستقیم ایران نیست، ولی گستردگی حوزه‌های همکاری بین دو کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی آنچنان وسیع است که منافع ملی دو کشور را در حوزه‌های مختلف به یکدیگر گره زده است. همچنین، نباید از نظر دور داشت که روابط ایران و روسیه همواره با نگاه امنیتی همراه بوده است؛

نگاهی که بر تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی سایه افکنده و همچنان سنگینی می‌کند. ایران و روسیه علی‌رغم وجود ذهنیت‌های مشوش از یکدیگر، در حوزه‌های مختلف، روابط خویش را با شدت و ضعف ادامه داده‌اند. در این زمینه، تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران، بر روابط اقتصادی دو کشور نیز تأثیرگذار بوده است. در دو دهه اخیر، مناسبات اقتصادی تهران و مسکو در زمینه‌های گوناگون تجاری، انرژی، حمل و نقل فنی و صنعتی در جریان بوده و به شکل روزافزونی ادامه داشته است. روابط اقتصادی ایران و روسیه تا پیش از برجام، از فراز و نشیب بسیاری برخوردار بوده و سیاست روسیه تا پیش از برجام، همگام با اعمال تحریم‌های غربی علیه ایران، و همسو با ایالات متحده آمریکا بوده است. با وجود این، بعد از خروج آمریکا از برجام، روابط اقتصادی ایران و روسیه تقویت شده است. از طرفی، خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های جدید بر ایران، مسیرهای محدود همکاری‌های اقتصادی میان ایران و روسیه را با دشواری‌ها و دست‌اندازهایی جدیدی مواجه کرده است. بلافاصله پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، شرکت‌های نفتی روسیه از مشارکت در طرح‌های خود در ایران دست کشیدند و مانند بسیاری از شرکت‌های غربی از بازار ایران خارج شدند؛ اما همچنان روابط اقتصادی ایران و روسیه سیر صعودی خود را طی کرده است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۸-۴۷).

۵-۱. ساختارهای بوروکراتیک

ساختارهای بوروکراتیک، از عوامل تسریع‌کننده برای اجرایی‌شدن تصمیم‌های مختلف است. به نحوی که این ساختارها می‌توانند یک تصمیم را به نحو احسن اجرایی کنند یا در تحقق آن، چنان ناکارآمدی نشان دهند که عملاً یک سیاست یا راهبرد، دچار نقایص مختلف در حوزه اجرا شود و نتواند به اهداف خود دست یابد. واقعیت این است که روابط ایران و روسیه نیز تا حدی به دلیل وجود ساختارهای بوروکراتیک ناکارآمد در هر دو کشور، توسعه نیافته است. برای نمونه، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و نهادهای مختلفی که در سیاست خارجی فعالیت می‌کنند، عاملی مخرب به شمار می‌آید؛ زیرا ممکن است هر سازمان یا نهادی بدون هماهنگی با سایرین، به صورت مجزا به اجرای یک سیاست بپردازد. همچنین امکان دارد نهادهای مختلف، از یک دستور یا راهبرد، برداشت‌ها و تلقی‌های متفاوتی داشته باشند. علاوه بر این، امکان دارد که اجرای یک سیاست به چند نهاد مختلف سپرده شود و در نهایت، هیچ‌یک مسئولیت اجرا یا عدم اجرای آن را نپذیرند یا مسئولیت خود را به صورت ناقص انجام دهند. در روسیه نیز چنین امری وجود دارد. ساختارهای بوروکراتیک پیچیده، که نه تنها تصمیم‌گیری در سیاست خارجی روسیه را دشوار کرده؛ بلکه تأثیر مخربی بر اجرای سیاست‌ها نیز گذاشته است. به همین دلیل، بسیاری از فرمان‌های اجرایی در گلوگاه‌های بوروکراتیک باقی

می‌ماند و هیچ‌گاه عملی نمی‌شود. این امر هنگامی با چالش‌های جدی‌تر در روسیه مواجه می‌شود که مدیران میانی تمایلی به انجام و پیشبرد یک طرح و برنامه نداشته باشند (بهمن، ۱۳۹۶، ص ۱۷۲). در این زمینه غلامرضا شافعی، سفیر سابق ایران در روسیه، معتقد است که روابط ایران و روسیه از یک اصول کلی که رهبران دو کشور تعیین کرده‌اند، تبعیت می‌کند؛ اما رویکرد دولت‌های حاکم نیز بر این روابط مؤثر بوده است. از این‌رو، اگر دولتی تمایل به گسترش روابط با طرف مقابل نداشته باشد؛ عملاً تمایل رهبران عالی دو کشور (رهبری در ایران و ریاست‌جمهوری در روسیه) به بهبود و توسعه روابط، با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شود. بر این اساس در سال‌های گذشته، ساختارهای بوروکراتیک در ایران و روسیه، همانند عامل منفی در گسترش روابط دو کشور عمل کرده‌اند و چنانچه تهران و مسکو تمایلی به گسترش روابط خود داشته باشند، یا باید ساختارهای موجود را اصلاح کنند یا سازوکاری مجزا برای توسعه همکاری‌های خود ایجاد نمایند (بهمن، ۱۳۹۶، ص ۱۷۲-۱۷۱).

۵-۱۱. ناموازنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در روابط ایران و روسیه

جمهوری اسلامی ایران و روسیه، طی سال‌های اخیر در راستای ارتقای سطح روابط خود گام برداشته‌اند. این امر سبب شده است که سطح تماس‌ها و تعاملات دو کشور در این سال‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای یابد. رفت و آمدهای مکرر مقامات عالی‌رتبه دو کشور و نیز سطح رایزنی‌های مشترک، بر اراده طرفین برای پیشبرد و ارتقای سطح روابط دوجانبه دلالت دارد. موضوع تلاش و تمایل برای ارتقای سطح روابط، به‌طور مستمر در اظهارات و مواضع مقامات ایران و روسیه بازتاب داشته و مورد تأکید قرار گرفته است. همکاری راهبردی دو کشور در بحران سوریه و مشارکت مؤثر آنها در روند مبارزه با تروریسم در منطقه، از مصادیق مهمی است که وجود روابط همگرایانه و رو به پیشرفت ایران و روسیه در سال‌های اخیر را مورد تأیید قرار می‌دهد. اقداماتی نظیر برگزاری مانور نظامی مشترک در منطقه استراتژیک خلیج فارس نیز از دیگر نشانه‌های معنادار توسعه راهبردی روابط دو کشور به حساب می‌آید (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰، ص ۲۵-۲۴). با این حال، آنچه درخصوص روند رو به رشد روابط تهران و مسکو می‌توان به‌صراحت بیان داشت، این است که، توسعه روابط دو کشور به لحاظ ماهیت و ابعاد، متوازن و همه‌جانبه نبوده و تمام ارکان آن را شامل نشده است. ضعف جدی در این زمینه، به توقف و حتی نزول سطح همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه بازمی‌گردد؛ که مطلقاً متناسب با ظرفیت دو کشور همسو و همسایه نیست. نگاهی به حجم تجارت و مبادلات دو کشور در چند سال اخیر، به خوبی چنین گزاره‌ای را تأیید می‌کند. تجارت ایران و روسیه در سال ۲۰۱۷ تنها معادل یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار بوده است. این رقم برای سال ۲۰۱۸ هیچ رشدی نداشته و ثابت مانده است. این در حالی است که، مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۹ حتی روند کاهشی

را تجربه کرده و به رقم يك ميليارد و ششصد ميليون دلار نزول یافته است. براساس آمار گمرکی، در سال ۲۰۱۹ حجم صادرات روسیه به ایران ثابت مانده؛ در حالی که واردات این کشور از ایران، ۲۷ درصد کاهش داشته است (Kozhanov, 2020, p.16). مجموعه آمارهای اقتصادی، مؤید آن است که ایران و روسیه در حوزه مبادلات بازرگانی و تجاری روابطی ضعیف و فاقد ارزش راهبردی با یکدیگر دارند. برای مثال، ایران و روسیه هیچ‌کدام در فهرست مهم‌ترین شرکای تجاری یکدیگر قرار ندارند. اولویت نداشتن روابط اقتصادی در مجموعه تعاملات تهران و مسکو، سبب شده است که همکاری‌های دو کشور در سال‌های اخیر، حتی نسبت به سال‌های دورتر کاهش پیدا کند. برای مثال، در حالی که سهم ایران از تجارت خارجی روسیه در سال ۲۰۱۳ حدود ۰/۵ درصد بود، در سال ۲۰۱۹ تنها معادل ۰/۳ برآورد گردید (Rodkewicz, 2020). بدین ترتیب، نوعی عدم تناسب فاحش در میان ابعاد و ارکان روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه وجود دارد. بر این اساس، درحالی که دو کشور در حوزه مسائل ژئوپلیتیک غرب آسیا و مشخصاً در قبال بحران سوریه، روابطی نزدیک و راهبردی را تدارک دیده و به کشگران مهم و مؤثر منطقه تبدیل شده‌اند؛ در حوزه تعاملات اقتصادی و ژئواکونومیک، تعاملات راهبردی و اثربخشی را پی‌ریزی نکرده‌اند. این عدم تناسب را می‌توان به ناموازنه ژئوپلیتیک و ژئواکونومی در روابط ایران و روسیه تعبیر کرد؛ که باعث می‌شود روابط دو کشور از تمامیت و جامعیت کافی برخوردار نباشد. چنین وضعیتی می‌تواند انگیزه‌ها برای نیل به توافقی پایدار در حوزه همکاری‌های استراتژیک را میان ایران و روسیه تضعیف نماید. هم روسیه و هم جمهوری اسلامی ایران، با توجه به مواجهه با تحریم‌های کشورهای غربی، نیاز بالایی برای توسعه روابط راهبردی با کشورهایی دارند که از توان و ظرفیت لازم برای کمک به اقتصاد خود و کاستن از آسیب‌های نشأت‌گرفته از تحریم‌ها برخوردار باشند. دقیقاً به همین دلیل است که هر دو کشور، سیاست توسعه همکاری‌های راهبردی با دولت چین را در دستور کار قرار داده‌اند. کما اینکه مقابله با تحریم‌های غرب و بی‌اثر کردن این تحریم‌ها، به درستی یکی از استدلال‌های اصلی مسئولان کشورمان در تأیید ضرورت امضای موافقت‌نامه راهبردی با چین بوده است. در چنین شرایطی، ضعف ژئواکونومی در کلیت روابط و تعاملات ایران و روسیه، ممکن است این ذهنیت را نزد مقامات دو کشور تقویت نماید که انعقاد توافق راهبردی جامع میان ایران و مسکو، آورده اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برای دو کشور به همراه نخواهد داشت و در نتیجه، انگیزه‌ها برای نیل به چنین توافقی کاهش یابد (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰، ص ۲۷-۲۶).

۶. نتیجه‌گیری

همگرایی اقتصادی مستلزم صنعتی شدن، استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های پیشرفته،

سرمایه‌گذاری‌های کلان، توجه به بازارهای بین‌المللی، اشتراکات فرهنگی و اجتماعی ... است. اما ایران و روسیه، فاقد چنین شاخصه‌های هستند و به دلایلی، مانند تحریم‌ها و نگاه امنیتی به تحولات منطقه‌ای و جهانی، مؤلفه‌های همگرایی اقتصادی جزء اولویت‌های سیاست‌های آنها قرار ندارند. از طرف دیگر، اقتصاد ایران و روسیه در حوزه‌هایی مانند ذخایر کلان نفت و گاز و تنوع محصولات کشاورزی و غذایی، مشابهت‌هایی با هم دارد و از این منظر، به افزایش مبادلات تجاری دو طرف کمکی نمی‌کند. نکته مهم اینکه، اقتصاد ایران در دو دهه اخیر به شدت تضعیف شده و اقتصاد روسیه هم متکی به تولید و صادرات مواد خام و کشاورزی است. در چنین شرایطی، اقتصاد نحیف، توسعه‌نیافته، تحریم‌شده و متکی به صادرات نفت خام ایران برای روسیه جذابیتی ندارد و به همین دلیل، میزان صادرات ایران به روسیه، حتی با رقم ۱ میلیارد دلار هم فاصله زیادی دارد و عمده این صادرات هم در چند قلم میوه، سبزیجات و خشکبار خلاصه می‌شود. از طرف دیگر، بازار صادرات روسیه به ایران هم عمدتاً گندم، ذرت، دانه‌های روغنی و چوب بوده و از لحاظ محصولات صنعتی، تکنولوژی و یا سرمایه‌گذاری، روسیه فاقد قابلیت مهمی برای گسترش روابط اقتصادی با ایران است. بنابراین، در آسیب‌شناسی روابط اقتصادی ایران و روسیه، در گام اول باید به مسئله عدم صنعتی‌بودن و فقدان بهره‌گیری از تکنولوژی و فناوری پیشرفته و کارآمد اشاره کرد. در گام‌های بعدی، ایران و روسیه باید بتوانند از قابلیت‌هایی که دارند در جهت هم‌افزایی و همگرایی اقتصادی استفاده کنند. به عنوان مثال، موقعیت ژئوپلیتیک از جمله کریدور شمال-جنوب می‌تواند، هم مبادلات تجاری میان دو طرف را گسترش داده و هم هزینه‌های حمل و نقل کالا را تنزل دهد. به علاوه، در حوزه انرژی، ایران و روسیه دارای قابلیت‌های چشمگیری هستند و با توجه به تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه گاز روسیه، ایران می‌تواند به عنوان مرکز تولید، تبدیل، ذخیره‌سازی و مصرف حامل‌های مختلف انرژی، از مازاد میلیارد‌ها مکعب گازی که در روسیه وجود دارد، بهره‌گیرد و از این طریق، سطح روابط اقتصادی دو طرف گسترش خواهد یافت.

منابع

- آرامی، سیدجواد (۱۴۰۱). *زمینه‌های افزایش همکاری‌های سیاسی-امنیتی ایران و روسیه*. در: نشست تخصصی کارگروه اوراسیا، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- اخوان کاظمی، مسعود؛ زارع، سارا؛ قیاسی، صابر (۱۳۹۹). تاثیر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بر روابط اقتصادی دو جانبه ایران و روسیه. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره ۳۳، ص ۵۱-۷.
- اسعدی، بهروز؛ منوری، سید علی (۱۴۰۰). بررسی روابط ایران و روسیه؛ اتحاد استراتژیک یا همسویی منافع. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۶۶، ص ۲۱۰-۱۸۱.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱). *دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی*. *مطالعات راهبردی*، شماره ۲۱، ص ۲۲۰-۱۸۹.
- امکان‌سنجی امضای توافق راهبردی با روسیه: الزامات و اقتضائات* (۱۴۰۰). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بخشی، رامین (۱۴۰۲). واقعیت و چشم‌انداز روابط اقتصادی ایران و روسیه. *ایراس*. قابل دسترس در: <https://www.iras.ir/?p=9919>
- بهمن، شعیب (۱۳۹۶). *توافق سلیمانی- پوتین: امکان‌سنجی روابط راهبردی ایران و روسیه*. تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- جعفری، محمد (۱۳۹۹). *راهبردهای توسعه روابط ایران و روسیه*. *امنیت اقتصادی*، شماره ۸۲، ص ۱۴-۳.
- جلالی، کاظم (۱۳۹۹). *سفیر ایران در روسیه: روابط اقتصادی ایران با روسیه بسیار نازل است*. قابل دسترس در: <https://paydarymelli.ir/fa/news/63090>
- حسینی میرزا، (۱۳۸۶). *مدیریت واردات و صادرات*. تهران: پیام نور.
- درخشان، حمیدرضا (۱۳۹۵). *فرصت‌های راهبردی در روابط اقتصادی ایران و روسیه*. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۹۵). چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی. *مجلس و راهبرد*، شماره ۲۳، ص ۳۵۸-۳۲۵.
- شوری، محمود (۱۴۰۱). *زمینه‌های افزایش همکاری‌های سیاسی-امنیتی ایران و روسیه*. در: نشست تخصصی کارگروه اوراسیا، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت.
- موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر (۱۳۸۷). *روابط ایران و روسیه: همکاری در دوره پسا‌همسایگی*، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۴ (۶۱)، ص ۳۷-۱.
- میرفخرایی، سید حسن (۱۳۹۴). *اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران*. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸ (۹۴)، ص ۱۷۵-۱۴۳.
- نوری، علیرضا (۱۳۹۸). ایران، روسیه و همگرایی اوراسیایی؛ منافع منطقه‌گرایی فعال. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۲ (۱)، ص ۲۵۲-۲۳۲.

ولی‌زاده، اکبر؛ مرادی، سمیه (۱۴۰۱). تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۵(۱)، ص ۴۱۰.

هاشمی موحد، پوریا (۱۴۰۱). مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه؛ فرصت‌ها و موانع. *اقتصادی*، شماره ۱۰۳-۱۰۲، ص ۲۶-۴.

Ballesteros Miguel, M. (2022). *Russia's relationship with Iran in the context of the 21st century geopolitics*. URL=

https://www.ieee.es/Galerias/fichero/docs_opinion/2022/DIEEEEO36_2022_MARBAL_Rusia_ENG.pdf.

Crossman, A. (2019). *What Is Convergence Theory? How Industrialization Affects Developing Nations*. URL= <https://www.thoughtco.com/convergence-theory-3026158>

Droin, M. & Grajewski, N. (2023). *Iran-Russia-and-the-challenges-of-inter-pariah-solidarity*. URL: <https://warontherocks.com/2023/07/iran-russia-and-the-challenges-of-inter-pariah-solidarity/>.

Feldman, B.C. & Rakov, D. (2021). *Iran-Russia Relations: Continued Partnership alongside Conflicting Interests*.

URL= <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2021/08/no.-1504.pdf>

Kozhanov, N. (2020). *Russia: Iran's Ambivalent Partner, IN: Zamirirad, Azadeh, Forced to Go East? Iran's Foreign Policy Outlook and the Role of Russia, China and India*. German Institute for International and Security Affairs.

Rodkiewicz, W. (2020). *Defying America. Russia's policy towards Iran*. The Centre for Eastern Studies. URL= <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2020-02-12/defying-america-russias-policy-towards-iran>

Ross, S. (2024). *Divergence vs. Convergence What's the Difference?*

URL= <https://www.investopedia.com/ask/answers/121714/what-are-differences-between-divergence-and-convergence.asp>

Russia and Iran Trade (n.d.). URL= <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/rus/partner/irn>

Therme, C. (2022). *The Russian-Iran Partnership in a Multipolar World*. URL=

https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/therme_russian_iran_partnership_2022.pdf